

مؤلفه‌های تهدید نرم؛ مرور چند تجربه

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/ ۲/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/ ۴/ ۲۲

قدیر نصری*

چکیده

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که مفاد تهدید نرم چیست؟ نگارنده، با مرور ادبیات مربوط به موضوع و با تمرکز روی سه منطقه شمال غرب روسیه، اتحادیه اروپایی و مجموعه کشورهای آفریقا، به تشریح این مفهوم می‌پردازد. بررسی مقایسه‌ای مجموعه‌های مزبور نشان می‌دهد تهدید نرم و به تبع آن امنیت نرم سه ویژگی اساسی دارد: اولاً به موضوعاتی می‌پردازد که پیش از این در انحصار رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، مدیریت شهری و مجامع خدماتی بودند. ثانیاً درصدد شناسایی، تقویت و به کارگیری سرمایه اجتماعی است و بالاخره اینکه، به حل و رفع دغدغه‌های واقعی یا ذهنی جامعه معطوف است. نکته ظریف‌تر اینکه، هرچند موضوع امنیت نرم جامعه است، ولی کارگزار و ذینفع نهایی آن دولت است که می‌کوشد پس از اطمینان خاطر نسبت به سامان اجتماعی، به تنظیم مناسبات فراملی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: تهدید نرم، امنیت نرم، شبکه اخلاقی، سرمایه اجتماعی، آسیب‌پذیری، توزیع

فرصت

* دکترای اندیشه سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس و استادیار علوم سیاسی در دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران)

Email: nasrister@gmail.com

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۵

مقدمه

«وقتی به صورت تدریجی و نامحسوس ادراک مردم در مقابل دغدغه‌ها صیانت می‌شود یا هنگامی که اعضای جامعه بسان شبکه اخلاقی از بروز اختلال ممانعت می‌کنند و مانند دزدگیر ماشین، اقدام دزدانه را افشاء و عمل دزدی را پرهزینه می‌سازند، در جامعه نوعی امنیت نرم برقرار است. در واقع، برخلاف امنیت سخت که کنترلی، دستورالعملی، جنجالی و از بالا به پایین است، امنیت نرم متضمن ترغیب (به جای کنترل)، غیررسمی (به جای دستورالعملی) و خاموش (به جای جنجالی) است و از لایه‌های پایین جامعه صادر می‌شود.»^(۱)

عبارت فوق را لارس راسموسون^۱ و اس. جانسون^۲ در مجموعه‌ای با عنوان «پارادایم‌های نوین امنیتی» یادآور شده و تصریح کرده‌اند در دورانی که دولت سعی در درک مطالبات جامعه و هدایت آن دارد، نمی‌توان صرفاً به رویه‌های کنترلی، محسوس و پسینی (اقدامات لازم برای درمان یک ناامنی) متکی ماند و لازم است دولت به عنوان بازیگر فعال، مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و مهارت‌های لازم را یاد بگیرد.^(۲)

بر مبنای استدلال نویسندگان مذکور و برای تقویت ادبیات بسیار معدود در زمینه امنیت نرم، پژوهش حاضر درصدد است تجربه‌ها و مصادیق تهدید و امنیت نرم در چند مجموعه منتخب را مرور و رهاوردهای آنها را مورد بحث و ارزیابی قرار دهد. بنابراین، آنچه در پی می‌خوانید، مصادیق و سیاست‌های مربوط به امنیت نرم است که در مجموعه‌هایی مانند مناطق شمال غرب روسیه، اتحادیه اروپا و مجموعه آفریقا متعارف است. پس از توضیح این مصادیق، به تشریح برخی لوازم امنیت نرم در قرن بیست و یکم می‌پردازیم که احتمالاً در بسیاری جوامع قابل بررسی هستند.

الف. مؤلفه‌های تهدید نرم در شمال غرب روسیه

شمال غرب روسیه کانون تراکم جمعیت و محل استقرار تأسیسات صنعتی، خدماتی و رفاهی روسیه است. مناطق شمالی و شمال شرق این کشور عظیم (با وسعتی بیش از ۱۷ میلیون

1 . L.Rasmusson

2 . S.Jansson

کیلومتر مربع)، عمدتاً خالی از سکنه است و برودت و خشکی هوا، امکان حیات را از موجودات زنده سلب کرده است. نباید فراموش کرد که روسیه به واسطه وسعت بی نظیر، جمعیت زیاد (۱۴۰ میلیون نفر)، منابع غنی نفت (حدود ۷۰ میلیارد بشکه به علاوه ذخایر عظیم نفت قطب شمال) و گاز (۴۲ درصد کل ذخایر گاز جهان) و ذغال سنگ و آب، از نظر منابع سخت‌افزاری، ظرفیت طبیعی مناسبی دارد. این کشور به رغم امکانات سخت‌افزاری، از آسیب‌های نرم متعددی رنج می‌برد و جامعه روسیه یکی از آسیب‌پذیرترین جوامع در مقابل مؤلفه‌های نرم ناامنی است. طی دهه اخیر، روس‌ها موفق شده‌اند درآمد سرانه خود را به بیش از ۱۴۰۰۰ دلار برسانند. صادرات انبوه نفت (روزانه شش میلیون بشکه) و دانش فنی هواپیماسازی، فولادسازی و صنایع هسته‌ای در کنار صادرات گاز (روسیه به تنهایی ۵۰ درصد گاز مصرفی اروپا را تأمین می‌کند و وابستگی گازی بعضی اروپایی‌ها به گاز روسیه در حدود ۹۰ درصد است)، روسیه را به یکی از قطب‌های تأثیرگذار جهان تبدیل کرده است. در عین حال، امنیت نرم بیش از آنکه حاصل تولید سرمایه و منابع باشد، محصول توزیع منابع و میزان امید و اعتماد اجتماعی شهروندان به آینده است.

از منظر تهدید نرم، جامعه روسیه ناامنی‌های متعددی پیش‌رو دارد که جنس نرم‌افزاری دارند. رشد بیماری‌های خطرناک، نابودی محیط زیست، تروریسم خرنده و تشکیلات قاچاق حرفه‌ای از جمله منابع نگرانی جامعه روسیه هستند. مرور پژوهش‌های متخصصان امنیت نرم در روسیه، نوع و میزان ناامنی نرم در جامعه روسیه را روشن می‌سازد.

نیکیتا لوماگین^۱ استاد دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ معتقد است رهبران روسیه به طور سنتی با امنیت سخت‌خو گرفته‌اند، به طوری که حتی معنای امنیت نرم را نمی‌دانند. (۳) از نگاه وی، در جهان فعلی، اکثر ساکنان شمال غرب روسیه، دیگر نگران حمله اتمی آمریکا یا ظهور هیتلر دیگر در آلمان نیستند، آنها دغدغه ظهور اتحاد شوروی و استالین قرن بیست‌ویکم را هم ندارند. آنها معتقدند سرنوشت‌شان به اعضای اتحادیه اروپا و سایر کشورهای جامعه جهانی گره خورده است، آنان نگران چالش‌های سه‌گانه زیر هستند؛ (۴)

1 . Nikita Lomagin

۱. سلامت هسته‌ای^۱

تأمین امنیت و سلامت هسته‌ای ساکنان شمال غرب روسیه، اولین تهدید نرم است که ذهن نخبگان و رسانه‌های منطقه را به خود مشغول نموده است. به عقیده لوماگین سه عامل محرک نامنی هسته‌ای در منطقه مزبور عبارتند از:

یک. تکنولوژی عقب‌مانده نیروگاه‌های اتمی

از نگاه فعالان حقوق بشر و محیط زیست، تأسیسات نیروگاهی این منطقه عمدتاً در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم احداث شده‌اند و به لحاظ فنی، در عداد نسل اول نیروگاه‌های اتمی - هسته‌ای هستند. از نگاه آنها، این تأسیسات، از ضمانت‌های امنیتی چندانی برخوردار نیست و با توجه به تراکم جمعیت در منطقه، احتمال تکرار وقوع حادثه چرنوبیل، بسیاری از ساکنان شمال غرب روسیه را وحشت‌زده کرده است. در شمال غرب روسیه، ۹ نیروگاه هسته‌ای با ۲۹ راکتور فعال است. به گفته ناظران غربی، همه این نیروگاه‌ها وارد مرحله خطرناک عمر خود شده‌اند و لازم است ترمیم و بازسازی شوند. با این حال، مقامات روسی معتقدند با توجه به گرانی نفت و گاز در بازار جهانی، تعطیلی و تعمیر این نیروگاه‌ها هزینه زیادی دارد. کارشناسان روسی گفته‌اند این نیروگاه‌ها حداقل تا سه سال دیگر مورد نیاز هستند. آنها برنامه احداث پنج نیروگاه طی ۱۵ سال آینده را هم در دستور کار دارند. (۵)

دو. دفن زباله‌های هسته‌ای در این منطقه، از جمله نگرانی‌های اساسی ساکنان منطقه است. معمولاً ساکنان هیچ منطقه‌ای رضایت نمی‌دهند زباله‌ها و پسماندهای هسته‌ای در حوالی سکونت آنها دفن شود. کشورهای هسته‌ای معمولاً زباله‌های خطرناک را در سواحل دریاها یا بیابان‌های لم‌یزرع دفن می‌کنند، اما به گفته کارشناسان محیط زیست، زباله‌های هسته‌ای به واسطه وقوع سوانحی چون زلزله و سیل و یا در پی حدوث وقایعی نظیر گرم‌شدن زمین و تغییرات آب و هوایی، به اندازه انفجارهای هسته‌ای خطرناکند. دفن زباله‌های هسته‌ای، هم مهاجرت نخبگان اقتصادی و صاحبان سرمایه را دامن می‌زند و هم موجب جذب قاچاقچیان هسته‌ای می‌شود و بدین ترتیب، منطقه صنعتی - توریستی مستعد، عملاً به منطقه‌ای پرخطر

مبدل می‌گردد. این نگرانی، به تدریج موجب بی‌اعتمادی و اضطراب روانی شهروندان شده است.

سه. عدم تخصیص بودجه ویژه مقابله با سوانح هسته‌ای

مقامات روسی خطر اشاعه هسته‌ای یا بیماری‌های خزنده در مناطق هسته‌ای را مانند سایر عوارض لحاظ می‌کنند و علاقه‌ای به توجه ویژه نسبت به خطرات جبران‌ناپذیر انفجار در نیروگاه‌های فرسوده ندارند. از این منظر، خطر انفجار نیروگاه هسته‌ای در مقایسه با خطراتی نظیر طوفان و سیل و سرما بسیار بیشتر است. در مقام مقایسه، خطر هسته‌ای مانند بیماری سرطان است، اما خطر سایر سوانح مانند سرماخوردگی است. در این مقایسه، خطر سرطان به رغم احتمال اندک وقوع آن، بسیار زیادتر از سرمایه خوردگی است؛ زیرا سرماخوردگی در مقایسه با سرطان قابل مدیریت و بهبود است، هرچند احتمال وقوع آن بسیار بالا باشد. با این مبناست که فعالان محیط زیست و نمایندگان اصناف و اتحادیه‌ها، خواهان افتتاح صندوق و ردیف بودجه‌ای ویژه برای حفاظت از مردم و مزارع در مقابل خطر نشت هسته‌ای یا هرگونه عوارض کوتاه‌مدت و بلندمدت ناشی از آن هستند.

۲. بیماری‌های مسری خطرناک

بیماری خطرناک موضوع دیگری است که بخش مهمی از انرژی خانواده‌های ساکن شمال غرب روسیه را تلف می‌کند. به رغم وضع بهداشتی مناسب منطقه، ساکنان همواره خود را در مقابل بیماری‌های واگیردار بی‌دفاع می‌دانند. بر اساس گزارش‌های ادواری مقامات مسکو و سازمان‌های بین‌المللی، بیماری سل^۱ دوباره در منطقه شیوع یافته است. طبق آمار سال ۲۰۰۰، بیش از ۷۵/۰۰۰ نفر از ساکنان منطقه مبتلا به سل پیشرفته شدند. دولت برای مهار بیماری سل، مبتلایان را شناسایی و در اتاقی ویژه محبوس می‌سازد. هم‌اکنون، دهها هزار نفر به خاطر مشاهده علائم بیماری سل به مراکز درمانی سن پترزبورگ مراجعه و تحت درمان قرار گرفته‌اند. این معضل هنگامی حاد شد که بیش از ۳۰/۰۰۰ نفر از افرادی که یکسال از مرخص شدن آنها می‌گذشت، احساس کردند مجدداً به بیماری سل شدید مبتلا شده‌اند و درمان

1. Tuberculosis

آنها موقت و نادرست بوده است. سالیانه حدود ۲۴۰/۰۰۰ نفر از افرادی که علایم ابتلا به بیماری سل در آنها مشاهده شده، از وضعیت درمان و معالجه ناراضی هستند و فکر می‌کنند طی چندسال آتی به این بیماری صعب‌العلاج مبتلا خواهند شد. بسیاری از رهاشده‌ها [از درمان موقت سل] روانه شهرهای بزرگی چون مسکو و سن پترزبورگ می‌شوند، بعضی از آنها به مناطق مرزی فنلاند می‌روند و بدین ترتیب، احتمال شیوع سل بسیار بیشتر می‌شود.

بیماری دیگری که موجب نگرانی فزاینده مردم شمال غرب روسیه شده است، شیوع ویروس ایدز و بیماری HIV است. اولین آمار تکان‌دهنده در خصوص وجود و گسترش بیماری ایدز در منطقه در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، اما در آن سال‌ها، نه دولت و نه مردم توجه خاصی به این بیماری نشان ندادند تا اینکه در مارس ۲۰۰۱، مسئولان بهداشتی روسیه، تعداد مبتلایان به ویروس ایدز را ۱۰۰/۰۰۰ نفر ذکر کردند. مقامات سازمان بهداشت جهانی، وابسته به سازمان ملل، طی سال‌های اخیر نسبت به گسترش افسارگسیخته بیماری‌های مقاربتی به ویژه ایدز در روسیه هشدار داده‌اند. آنها معتقدند رقم واقعی بیماران مبتلا به ایدز ده برابر اعلام رسمی دولت فدرال روسیه است. بر این اساس، ابتلای یک میلیون نفر به بیماری ایدز، موجی از نگرانی را در بین خانواده‌ها دامن زده است، زیرا درمان بیماری مذکور بسیار طولانی‌مدت، پرهزینه و عمدتاً بی‌نتیجه است. همانگونه که دیده می‌شود، این قسم نگرانی‌ها معمولاً در عداد تهدیدات سخت به چشم نمی‌آیند، اما نتیجه آن به قدری زیاد است که جمعیت بسیاری را نگران و عملاً آنها را از چرخه تولید و ترقی خارج می‌سازد. (۶)

۳. مهاجرت غیرقانونی

مهاجرت‌های داوطلبانه^۱ یا اجباری^۲، در بسیاری مواقع به صورت غیرقانونی صورت می‌پذیرد. چون فرصت‌های شغلی کشور میزبان محدود و میزان تقاضا برای مهاجرت بسیار زیاد است، قاچاق انسان‌ها و مهاجرت انتحاری^۳ به پدیده‌ای امنیتی مبدل شده است. این تهدید نرم به گفته لوماگین، اهمیت دو عامل پیشین را ندارد، ولی در جایگاه خود بسیار مهم است؛

1 . pull-migration
2 . Push-migration
3 . Self-migration Deconstruction

زیرا روسیه در مرزهای غربی خود فقط با کشور پیشرفته‌ای چون فنلاند [به عنوان عضوی از اتحادیه اروپا] مرز مشترک دارد و فنلاند مسیر ایده‌آلی برای قاچاق انسان‌ها به سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. به خاطر همین ویژگی جغرافیایی، شمال غرب روسیه به مرکز قاچاق چیان انسان بدل گردیده است. قاچاق چیان حاضرند به منظور انتقال پنهانی انسان‌ها به اروپا، ضمن دادن رشوه به مقامات مسئول، منطقه را به ترمینال و معبر مهاجران و پناهندگان مبدل نمایند. عوامل اصلی که موجب مهاجرت غیرقانونی به روسیه و از روسیه به فنلاند می‌شوند عبارتند از:

یک. تفاوت میزان رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی روسیه با همسایگان غربی خود. بر اساس برخی برآوردها، میزان برخورداری مردم روسیه، یک‌بیستم مردم فنلاند است.

دو. وجود رژیم مرزهای باز - آزاد روسیه با کشورهای مشترک المنافع (CIS) که باعث می‌شود مهاجران یا از روسیه به عنوان معبری به اروپا استفاده کنند و یا اینکه از کشور بی‌سر و سامان خود روانه روسیه شوند تا کار یا امنیتی به دست آورند. بسیاری از ساکنان جمهوری‌های سابق شوروی، زندگی در روسیه را به وطن نوپا و فقیر خود ترجیح می‌دهند.

سه. فقدان اراده، تجربه و منابع لازم برای مدیریت پدیده مهاجرت غیرقانونی.

چهار. نبود مکانیسم مورد نیاز برای بازگرداندن خارجی‌ها، اشخاص فاقد تابعیت معین و سایر کسانی که از کشورهای جهان سوم آمده‌اند و موقع ورود به روسیه یا خروج از آن قوانین روسیه را نقض می‌کنند.

پنج. توجه ناکافی مسئولان محلی و فدرال به معضل مهاجرت غیرقانونی.

مسیرهای عمده مهاجران غیرقانونی، کشورهای قفقاز و جمهوری‌های آسیای مرکزی هستند. جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، اوکراین و مولداوی، مسیر همیشگی عبور قاچاقچیان هستند که روانه شمال غرب روسیه می‌شوند. یکی از نگرانی‌های عمده مردم و مقامات شمال غرب روسیه، تاجیک‌ها و مولداویایی‌هایی است که تبار روسی دارند. سالانه ۱۵ - ۱۰ هزار نفر از جمهوری‌های پیش‌گفته وارد شمال غرب روسیه می‌شوند و در فصل تابستان این تعداد، ۱۰ برابر افزایش می‌یابد. بیشترین قاچاق انسان و ورود غیرقانونی توسط قطار صورت می‌گیرد، چرا که میزان کنترل مأموران دولتی بر راه آهن و قطارها بسیار اندک است.

کسانی که وارد روسیه می‌شوند، صرفاً برای عبور به اروپا نمی‌آیند، بلکه بسیاری از مهاجران غیرقانونی قصد اشتغال و اقامت در خود روسیه را دارند. تعداد مهاجران غیرقانونی مقیم در سن پترزبورگ و لنینگراد به ۳۰۰/۰۰۰ نفر در سال می‌رسد و پیش‌بینی می‌شود تعداد این قبیل مهاجران در کل فدراسیون روسیه به بیش از ۲/۵ میلیون نفر برسد. برخلاف اظهارات اغراق‌آمیز و احساساتی رسانه‌های غربی، مقامات روسی موفق شده‌اند مهاجرت غیرقانونی در شمال غرب کشور را تحت کنترل درآورند و این وجه از امنیت نرم ساکنان را تا حدود زیادی ترمیم و تامین نمایند. یکی دیگر از منابع ناامنی نرم در روسیه، مهاجران و پناهندگان افغانی بودند که در دوران جنگ به روسیه پناهنده شده بودند و تعداد زیادی از آنها ساکن سن پترزبورگ بودند، اما پس از سقوط طالبان، دولت روسیه اکثر افغان‌ها را اخراج و آنها را به کشورشان بازگرداند.

مهم‌ترین مراجع تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در مورد امنیت نرم روسیه عبارتند از قوه مجریه، اصناف و جامعه مدنی. دو وزارت‌خانه کشور و امور خارجه روسیه به طور مرتب در مورد ورود و خروج مهاجران قانونی و غیرقانونی تبادل اطلاعات می‌کنند. اصناف و اتحادیه‌ها می‌توانند یاور دولت باشند و به جای بیگاری کشیدن پنهان از مهاجران، از استخدام آنان اجتناب و موضوع را به پلیس گزارش کنند. علاوه بر این، سازمان‌های غیردولتی و سایر تشکیلات مرتبط با جامعه مدنی از قبیل بنیادهای خیریه، خانه‌های خارجی‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی می‌توانند قاجاق‌چیان انسان و مهاجران غیرقانونی را به دولت معرفی و بدین ترتیب، جامعه را از این ناامنی خاموش رها سازند.

ب. مؤلفه‌های تهدید نرم در اتحادیه اروپا

اعضای اتحادیه اروپا، به ویژه شش کشور اصلی آن (آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، لوکزامبورگ و هلند) در زمینه امنیت نرم، مورد قابل مطالعه‌ای هستند. این کشورها به واسطه موقعیت جغرافیایی، بافت جمعیتی و نیز مکانیسم‌های قانونی، معمولاً زمینه و انگیزه حمله خارجی را ندارند. از این رو، بخش اعظم توجه مراکز مطالعات راهبردی معطوف به ارتقای

صلح بین‌المللی و امنیت اجتماعی^۱ بوده است، به طوری که بررسی‌ها و مطالعات امنیتی ذیل عنوان مطالعات صلح^۲ جریان دارد. بخشی از این امنیت، معلول تجربه حاصل از نیم قرن اخیر (وقوع دو جنگ جهانی که کانون هر دو، اروپا بوده است) و هوش و خرد رهبران اروپاست. اتحادیه در محدوده‌ای بیش از ۴/۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، ۵۰۰ میلیون نفر را در خود جای داده و سالانه ۸/۴ تریلیون دلار، تولید ناخالص داخلی دارد. بر این اساس، درآمد سرانه اهالی اتحادیه بالغ بر ۱۰/۰۰۰ یورو است. از نظر جغرافیایی، اتحادیه اروپا طولانی‌ترین مرز مشترک را با روسیه (۲/۲۵۰ کیلومتر) دارد، اما این مرز طویل مایه نگرانی اتحادیه نیست، آنچه ساکنان اروپا را نگران می‌کند تحولات و رخدادهایی چون مهاجرت، رشد منفی جمعیت، گرم‌شدن زمین، مسلح‌شدن تروریست‌ها، دفن زباله‌های هسته‌ای و نوسان قیمت گاز و نفت است. همانگونه که دیده می‌شود، جنس این نگرانی‌ها، عمدتاً نرم و بالقوه است. به عنوان نمونه، می‌توان به رشد جمعیت مسلمانان در اتحادیه اروپا اشاره کرد که بر اساس تخمین بعضی محققان، بسیار بالاست و می‌تواند موجب رشد ناسیونالیسم، یهودستیزی و انواع ناامنی‌های اجتماعی شود.

راهبردهایی که اروپاییان برای تدارک امنیت نرم به کار بسته‌اند، عمدتاً جنبه غیرنظامی و اجتماعی دارد. مدیریت امور مهاجرین، جلب همکاری‌های دول حاشیه‌مدیرانه [برای کنترل تبادل کشتی‌ها و لنج‌ها]، مهاجرگزینی هوشمند، گفتگوی انتقادی با دولت‌های حساس و بالاخره اجتماعی کردن سیاست و استراتژی، از جمله این راهبردها هستند.

مرکز اروپایی جرج سی. مارشال در سال ۲۰۰۳، کنفرانسی با عنوان «امنیت نرم اروپا» برگزار کرد و از مدعوین دعوت کرد مؤلفه‌ها و موارد امنیت نرم را در دو سرفصل مفهومی و عملیاتی بیان کنند. مدعوین غالباً از کشورهای اروپا و آمریکا و از بین دانشگاهیان، مدیران ارشد وزارت خارجه، شهرداری‌ها و سایر نهادهای امنیتی و حزبی بودند. مرور مقالات این نشست نشان می‌دهد اتحادیه اروپا مانند شمال غرب روسیه با بعضی آسیب‌ها و حتی تهدیدات غیرنظامی در حوزه امنیت مواجه است، ضمن اینکه این قاره مرفه، دشواری‌های

1 . Societal Security
2 . Peace Studies

متفاوتی در زمینه امنیت نرم نیز دارد. در همایش مذکور، ضمن تأکید بر پاره‌ای مفاهیم و مطالعات نظری (مانند غیرنظامی‌شدن امنیت، اهمیت وجوه نرم‌افزاری امنیت، ضرورت و برجستگی همکاری بین کشورهای قاره و پیوند بین امنیت سخت و نرم)، مصادیق زیر را به عنوان مؤلفه‌های امنیت نرم اتحادیه اروپا برشمرده‌اند:

۱. مهاجرت غیرقانونی

کشورهای اتحادیه اروپا - به ویژه شمال این قاره - بنا به دلایل متعدد، مقصد بسیاری از مهاجرین است. وجود فرصت‌های شغلی و کسب درآمدهای بالا، مهمترین انگیزه مهاجرت به اتحادیه به شمار می‌رود. علاوه بر این، همسایگی اتحادیه با کشورهای فقیر، مرزهای گسترده دریایی، پیر شدن جمعیت در کشورهای پیشرفته‌ای چون آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک و مانند آن اسکان بیش از ۱۱ میلیون خارجی در کشورهای مختلف اروپایی و مواردی از این دست، محرک مهاجرانی است که می‌کوشند از طرق قانونی (مانند اخذ دعوت‌نامه خویشاوندی، تجاری، تحصیلی و توریستی) یا غیرقانونی (قاچاق از طریق کشتی، کامیون و به کمک باندهای قاچاق کارگر، فروشنده و سکس) وارد کشورهای اتحادیه اروپا شوند و پس از گذراندن مدت زمانی در کمپ‌های ویژه مهاجران، جذب جامعه و صنعت اروپا شوند. کشورهای اروپایی نیز بنا به دلایل مختلف نسبت به ورود مهاجران غیرقانونی حساسیت دارند. دلایل امنیتی‌شدن پدیده مهاجرت در کشورهای مختلف اروپا - از جمله کشورهای اسکاندویناوی - بدین قرار است:

یک. بروز ناامنی‌های اجتماعی

وجود تفاوت‌های مختلف فرهنگی بین مهاجران و مردم کشور میزبان، مهاجران را ترغیب می‌کند از فرصت‌های مختلف استفاده غیرقانونی کنند. موارد متعددی از سرقت، تجاوز به عنف، تخلف رانندگی و عدم پرداخت هزینه خدمات مختلف از سوی مهاجران گزارش شده، به طوری که زندان‌های بسیاری از کشورهای اروپایی پذیرای مهاجرانی است که هیچ انگیزه و حتی توانی برای بازگشت به موطن خود ندارند.

دو. تغییر در ترکیب جمعیت

جمعیت اغلب کشورهای اروپایی ثابت و حتی رو به کاهش است. در اغلب این کشورها نیز اقلیت‌های متعددی در کنار اکثریت اروپایی زندگی می‌کنند. امواج مختلف مهاجرت به اروپا، مقامات مسئول را متوجه کرده که رفته‌رفته ترکیب جمعیت در بعضی مناطق اروپا متحول می‌شود. بر اساس قوانین مدنی این کشورها، مهاجرانی که بنا به دلایل مالی (مانند برخورداری از سرمایه ۴۰۰ هزار یورویی)، علمی (مانند احراز مناصب مدیریتی - آکادمیک بالا یا ثبت اختراع و داشتن سابقه درخشان علمی) و فنی، به طور رسمی شهروند اروپا می‌شوند و به راحتی امکان می‌یابند در کشورهای مختلف اروپا، فعالیت کنند، می‌توانند با وثیقه‌ای مثلاً پنج هزار مارکی، اقوام خود را دعوت و آنها را به کانون‌های مختلف جذب سرمایه، نخبگان و مدیران، معرفی نمایند. این روال طبیعی، جمعیت اقلیت را در این کشورها محافظت می‌کند و حتی افزایش می‌دهد، به طوری که جمعیت الجزایری‌های فرانسه در حال حاضر به بیش از سه میلیون نفر رسیده و جمعیت مسلمان این کشور به بیش از شش میلیون نفر بالغ گردیده است. اروپایی‌های مسیحی بیم آن دارند که اقلیت‌های غیرمسیحی و غیراروپایی با کسب فرصت‌های مختلف شغلی و مالی و فرهنگی، رفته‌رفته غیرقابل مهار شوند. (۷)

سه. هزینه‌های بیمه‌ای

هزینه بیمه (عمر، درمان و بیکاری)، بخش مهمی از مخارج جاری اروپاییان را تشکیل می‌دهد. هر مهاجری که به نحوی از انحا وارد اروپا می‌شود، معمولاً پس از اندک زمانی می‌تواند حمایت مجامع گوناگون حقوق بشری را جلب و از خدمات مربوط به حق حیات اولیه برخوردار گردد. مقامات اروپایی نگران آن هستند که تراکم مهاجران مانع از تخصیص عادلانه تسهیلات شود و هزینه‌ای اضافی بر تراز مالی دولت و شرکت‌ها تحمیل نماید. گفتنی است نوع برخورد دولت‌ها با مسأله مهاجران، تبعات مختلف انتخاباتی، سیاسی، امنیتی و حتی بین‌المللی دارد.

چهار. تحول رفتار انتخاباتی

در جوامع آزاد اروپایی، انتخاب رأی‌دهندگان منشاء بسیاری از رفتارها و سیاست‌های ملی و فراملی است. مهاجرانی که وارد بدنه کاری جامعه اروپا می‌شوند، ضمن حفظ پیوندهای

خود با سایر مهاجرین، درصدی از کارکنان کشور میزبان را نیز متأثر می‌سازند. در سال ۲۰۰۲، مقامات فرانسوی، رشد یهودستیزی در این کشور را به حضور گسترده و فعالیت شبکه‌ای مسلمانان نسبت دادند. علاوه بر این رشد، تعداد مهاجران (به ویژه مهاجران مسلمان)، باعث تقویت جریان راست‌گرا و ناسیونالیست در کشورهای مختلف اروپا شده است. مهاجران اروپانشین غالباً به احزاب سوسیالیست و اصلاح‌طلب تمایل دارند و قرارگرفتن رأی آنها در سبد سوسیال - دموکرات‌ها باعث تقویت جریان راست و ملی‌گرا می‌شود. لازم به یادآوری است که مهاجران با سابقه در کشورهای اروپایی، از امکانات گسترده‌ای برای دفاع از حقوق مدنی خود برخوردارند. رأی آنها در مواقع و جوامعی که درصد بسیار محدود رأی می‌تواند جهت‌گیری کشور را تغییر دهد، بسیار تعیین‌کننده است. از این رو، احزاب سیاسی برای کسب رأی مهاجران، رقابت شدیدی دارند. نظام مبتنی بر لیبرال دموکراسی (با محوریت برابری، آزادی و استقلال افراد) نه حاضر است مهاجران را کاملاً جذب نماید و نه می‌تواند با ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیز نسبت به حبس و مجازات آنها مبادرت ورزد. در نتیجه این تناقض، پدیده مهاجرت به دستور کاری امنیتی در کشورهای شمال اروپا تبدیل گردیده است.

شاید بر اساس چنین ملاحظاتی است که فرانکو وری^۱ تصریح می‌کند مهاجرت هم ریشه و هم نتیجه بسیاری از ناامنی‌ها و گرفتاری‌هاست. مهاجران غیرقانونی کشور میزبان را به معبری برای قاچاق انسان تبدیل می‌کنند و جنایات سازمان یافته گوناگونی را شکل می‌دهند. تعداد و تراکم مهاجران می‌تواند بسیاری از مسائل نظیر منازعات قومی، بازارهای اقتصادی، بازار کار، امنیت اقتصادی و پراکندگی و آرایش جمعیت را متأثر سازد. (۸)

۲. قاچاق شبکه‌ای

اتحادیه اروپایی به عنوان مجموعه‌ای مرفه با جمعیتی محدود، به فن‌آوری‌های بسیار پیشرفته‌ای مجهز است. اغلب کشورهای آن، درآمد سرانه‌ای بالغ بر ۱۰/۰۰۰ یورو دارند. این در حالی است که در شرق و جنوب این قاره غنی، فقر و تبعیض شدیدی حاکم است. مرزهای شرقی و جنوبی اروپا را نواری از بحران فراگرفته و اتحادیه اروپا دیواری است برای مهار انبوه

1 . Francois Very

افرادی که متمایل^۱ یا مجبور^۲ به مهاجرت هستند. استیر برایمر، در پژوهشی با عنوان «از امنیت سرزمینی تا امنیت اجتماعی»، تصریح کرده است که «ایالات متحده باید از اتحادیه اروپا ممنون و متشکر باشد که تأسیسات زیربنایی و کیفیت حیات غرب را در مقابل مهاجران پرتعداد و مشکوک محافظت می‌کند. معلوم نیست اگر این مهاجران وارد اروپا و سپس آمریکا شوند، چه اتفاقی روی خواهد داد و پلیس و نظام قضایی و ارکان امنیتی غرب با چه مصائبی مواجه خواهد شد.» (۹) به گفته وی، مهاجران مقیم به واسطه آشنایی با قوانین، زبان و مناسبات حاکم بر کشورهای میزبان می‌توانند بسیاری از موانع را بر مهاجران تازه وارد یا غیرقانونی آسان نمایند. از جمله نکات حساسی که وی مورد تأکید قرار می‌دهد، این است که قاچاق اقلام هسته‌ای، واردکردن نیروی کار به اروپا و ارتکاب جنایات سازمان‌یافته فقط بخشی از دغدغه‌هایی است که مهاجران می‌توانند به اروپاییان هدیه دهند. علاوه بر این، مهاجران بعضاً موفق می‌شوند از طریق تبانی با شرکت‌های اروپایی، بدنه اداری اروپا را فاسد سازند. ارسال و ترانزیت مواد مخدر از جمله مواردی است که می‌تواند بحران و تباهی را در کشورهای مختلف اروپایی دامن بزند. مورد خطرناک دیگر، شیوع ویروس اچ.ای.وی است که معمولاً در بین مهاجران بیشتر است. مهاجرانی که بخاطر هزینه بالای ایدز و ناآشنایی با فرهنگ اروپا، قادر و حاضر به مراجعه به مراکز درمانی نیستند. این در حالی است که کشورهای اروپایی، به طور پراکنده و یکجانبه نمی‌توانند مانع قاچاق شبکه‌ای شوند. بر این اساس، اروپای واحد با تشکیل جلسات و همایش‌های گوناگون، شیوه مدیریت امور مهاجرین و سیاست‌گذاری هماهنگ در برخورد با قاچاق انسان را به عنوان یکی از مصادیق امنیت نرم بررسی می‌کند.

۳. انتقال سلاح

همانگونه که در شرح مشخصه‌های کلی کشورهای اتحادیه اروپا آوردیم، غالب سازندگان قطعات و فرآورده‌های حساس این کشورها، شرکت‌های خصوصی هستند که ممکن است بعضی کارکنان آنها نسبت به فروش اطلاعات اقتصادی - فنی مبادرت نمایند. کشورهای

1 . Pull

2 . Push

مطرح اروپا معمولاً از اسرار و دانش‌های پیچیده به عنوان ابزاری در سیاست‌گذاری بین‌المللی استفاده می‌کند. انتقال سلاح یا دانش آن، که به رغم سخت‌گیری‌های فراوان، بسیار آسان و سریع صورت می‌گیرد، می‌تواند ضمن به هم ریختن موازنه قوا، دستگاه سیاست‌گذاری را نیز خلع سلاح کند. موروف^۱ در پژوهشی با عنوان «سیاست امنیت نرم اروپایی: مطالعه موردی شمال اروپا»، علاوه بر موارد فوق، به دو موضوع دیگر هم اشاره می‌کند. (۱۰) به عقیده او افزایش مخاطره و نیز دسترسی شبکه‌های قاچاق به سلاح‌های پیچیده می‌تواند موجی از ناامنی نرم را در لایه‌های مختلف جوامع اروپایی دامن بزند و امنیت نرم به واسطه جابه‌جایی ابزار سخت، مخدوش گردد. اغلب کشورهای اتحادیه اروپا، خدمت وظیفه اجباری را حذف کرده‌اند و ارتش حرفه‌ای و محدود، متصدی امنیت ملی شده است و از این‌رو، قاچاق و انتقال سلاح در داخل کشورها و یا ارسال آن به خارج اروپا می‌تواند ارتش محدود اتحادیه را آسیب‌پذیر و مهمتر از آن، موجی از نگرانی و دغدغه را در جامعه به وجود آورد.

۴. مخاطرات بهداشتی و زیست‌محیطی

چهارمین موضوع در ذیل «پروژه امنیت نرم اروپا»، به شیوع بیماری‌های خطرناک (نظیر سل و ویروس اچ‌ای.وی) و سوءمدیریت و تخریب محیط زیست اختصاص دارد. تأکید بر موضوع بهداشت و محیط زیست، حداقل از دو جهت در اروپا اهمیت دارد؛ اولاً کشورهای مختلف این قاره، بسیار کوچک هستند و منابع خدادادی و طبیعی به راستی در معرض نابودی است. کشور بزرگ فرانسه [در اروپا] فقط به اندازه منطقه دارفور سودان وسعت دارد یا آلمان با حدود ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، به اندازه چهار استان آذربایجان شرقی - غربی، اردبیل و زنجان ایران مساحت دارد و بعضی کشورهای دیگر نظیر لوکزامبورگ، بلژیک و هلند، هر کدام به اندازه یکی از استان‌های متوسط ایران وسعت دارند. این محدوده کوچک ناگزیر مهاجرپذیر، صنعت‌گرا و طبیعت‌گراست و طبیعی است که جمعیت زیاد و صنایع آلوده‌کننده، محوری‌ترین موضوع امنیت نرم یعنی امنیت انسان‌ها را بلاموضوع می‌سازد.

ثانیاً قاره اروپا پس از آمریکا، بزرگترین قدرت اقتصادی دنیاست. کل تولید ناخالص داخلی اتحادیه بالغ بر ۸/۵ تریلیون دلار است. این حجم صنعتی شدن مستلزم توجه و دقت ویژه‌ای به مقوله محیط زیست است. بر اساس گزارش ارائه شده در کنفرانس جرج مارشال، حوادث هسته‌ای، نشست زباله‌های خطرناک، رادیو اکتیو ناشی از صنایع خطرناک، پسماندهای ساخت اقلام شیمیایی، دفن زباله‌های ضدحیات و مانند آن، همگی کشورهای سرسبز و کوچک اروپا را در معرض خطر قرار داده‌اند. حتی متخصصان و فعالان بدبین بر این اعتقادند که انباشت حجم سنگین پسماندهای صنعتی و حتی معدوم‌سازی صنعتی آنها، حیات موجودات در اروپا را به شیوه‌ای آرام و در حال گسترش، تهدید می‌کند.

۵. فساد و تبعات اقتصادی – سیاسی آن

فرانکو وری، گسترش فساد و تبانی در قوه مقننه و مجریه اروپا را یکی از مصادیق ناامنی نرم اعضای این اتحادیه می‌شمارد. به گفته وی، فساد حاکم بر قوه مجریه و نهادهای اجرایی تابعه، قوانین نسبتاً خوب پیشین را هم در معرض نابودی قرار داده است. فساد در مراجع قانون‌گذاری هم عارضه‌ای است که موجب بی‌اعتمادی به نهادهای عمومی می‌گردد و همین بی‌اعتمادی هزینه‌های حیات در اروپا را به شدت افزایش می‌دهد. بر اساس برآوردهای وری، فساد عامل بسیاری از ناامنی‌های نرم است که از تبعات آن عبارت است از بی‌کفایتی اقتصادی، بی‌اعتمادی سیاسی و در نتیجه، تباهی حیات فرد به عنوان اصلی‌ترین مرجع امنیت نرم. (۱۱)

پرنتل^۱ که خود از محققان مسائل امنیتی به ویژه تهدیدات نوین امنیتی است، ضمن مرور مؤلفه‌های پنجگانه امنیت نرم در اتحادیه اروپا، خاطر نشان می‌سازد که حساسیت جوامع اروپایی به این تهدیدات، یکسان نیست. به خاطر تنوع جمعیتی، سرزمینی، صنعتی و جغرافیایی، میزان آسیب‌پذیری امنیتی آنها در قبال عوامل مذکور، متفاوت است. (۱۲) به عنوان مثال، کشوری مانند ایتالیا که مرزهای دریایی گسترده‌ای دارد، در قبال پدیده قاچاق و فعالیت‌های باندهای مافیایی بیشتر آسیب‌پذیر است تا سوئیس که وسعتی محدود و جدار مرزی مسدودی دارد. همچنین، عوارض ناشی از دفن زباله‌های هسته‌ای، فرانسه را بسیار بیشتر

از نروژ تهدید می‌کند. پرنتل شدت اثرگذاری مؤلفه‌های امنیت نرم در اتحادیه اروپا را به ترتیب زیر مرتب کرده است؛

یک. سلامت هسته‌ای شامل امنیت در قبال سوخت هسته‌ای و دفن زباله اتمی نیروگاهها
دو. ساختارها و نهادهای دولتی به خاطر نفوذپذیری آنها در قبال سازمان‌ها و باندهای جنجایی خارجی

سه. سازمان‌ها و ادارات دولتی به خاطر ارتکاب فساد، تدلیس^۱ یا تقلب
چهار. اختلاف و ناهمگونی شرایط زندگی، نابرابری و تفاوت‌های شدید بین افراد، اقشار و مناطق مختلف

پنج. آلودگی آب که به واسطه گسترش شهرنشینی، صنعتی‌شدن و نیز کنترل‌های محدود بهداشتی، مستلزم نگهداری ویژه است.

شش. تجارت و قاچاق مواد مخدر از قبیل هرویین، تریاک، الکل‌های خطرناک و قرص‌های روان‌گردان

هفت. جنایات سازمان‌یافته بین‌المللی از قبیل اقدامات تروریستی علیه تأسیسات زیربنایی، ذخایر غذایی و آشامیدنی و مراکز تراکم جمعیت

هشت. مرزهای باز اتحادیه که آن را با دهها کشور و دریا‌های پهناور بین‌المللی همسایه ساخته است.

نه. فشارهای ناشی از مهاجرت؛ پرنتل مهاجرت را تهدیدی حیاتی و درجه یک علیه اروپا نمی‌شمارد و معتقد است با سیاست‌های فعلی کشورهای اروپا در داخل و خارج از مرزهای قاره‌ای، پذیرش مهاجر قانونمند شده و مهاجرت به اروپا به جای اینکه تهدیدی مختل‌کننده باشد، فرصتی گرانمایه است. چرا که با سیستم سهمیه‌بندی و گزینش هوشمند^۲ صرفاً کسانی که می‌توانند در ارتقای ثروت، امنیت و رفاه خود و اروپایی‌ها سهیم باشند، ویزای ورود و اجازه اقامت می‌گیرند. به عقیده وی، وزارتخانه‌ها و ادارات رسیدگی‌کننده به موضوع مهاجرین، سیاست‌های موفق‌تری در کارنامه خود دارند. در نتیجه این سیاست‌ها، اروپا از دانش و

1 . fraud

2 . Smart Choice

نیروی کار کشورهای مهاجر فرست برخوردار شده‌اند و رشد مهاجرین در بدنه علمی - کاری اروپا خود نوعی تبلیغ برای قدرت و وجهه اروپاست.

همانگونه که دیده می‌شود، بین مصداق‌های امنیت نرم در شمال غرب روسیه و اتحادیه اروپا، تفاوت و مشابهت‌هایی دیده می‌شود. هر دو منطقه منتخب در این پژوهش، از عوارض ناشی از سوخت هسته‌ای و شیوه و فن آن، مهاجرت غیرقانونی و گسترش بیماری‌های خطرناک، به ویژه ایدز نگران هستند و هر دو این سه مورد را به عنوان مصداق امنیت نرم در نظر گرفته، برای حل و فصل آن کوشش می‌کنند. در عین حال، آنچه بین دو مجموعه متفاوت است، تعداد، ترتیب و شدت ناامنی نرم است. به عنوان مثال، اروپایی‌ها مقوله مهاجرت را تقریباً کنترل کرده‌اند و آنچه الان دغدغه آنهاست، مدیریت امور مهاجران مقیم است تا مهاجران غیرقانونی.

دیگر اینکه، اتحادیه اروپا در حوزه امنیت نرم، دغدغه‌هایی دارد که سایر مناطق آنها را مایه نگرانی نمی‌شمارند. به عنوان نمونه، اروپایی‌ها نگران تخریب محیط زیست هستند، اما این موضوع در فدراسیون روسیه، که بیشترین جنگ‌های دنیا را دارد، دغدغه‌ای امنیتی نیست. نهایت اینکه، شدت آسیب‌پذیری کشورها یا مناطق در قبال مصادیق ناامنی نرم متفاوت است. همانگونه که اشاره شد، شیوع بیماری سل در شمال غرب روسیه بسیار اساسی است، اما این بیماری در بسیاری از کشورهای اروپایی مهار شده و تحت کنترل درآمده است. با مرور نوع و شدت تهدیدات نرم در قاره آفریقا این تفاوت آشکارتر می‌شود. قاره آفریقا را از آن رو به عنوان مطالعه موردی برگزیده‌ایم که مناطق جنوب و فقیر را نیز در بررسی مان وارد کنیم. کشورهای شمال و به ویژه شمال غرب، معمولاً از منابع لازم برای مدیریت بحران‌ها برخوردارند، اما کشورهای جنوب، غالباً وارث مجموعه‌ای از تهدیدهای سخت و نرم هستند که همدیگر را تقویت می‌کنند و دولت‌های مرکزی از منابع، اراده و مهارت لازم برای فیصله‌دادن به تهدیدات متنوع و انبوه محرومند.

ج. مؤلفه‌های تهدید نرم در آفریقا

مخاطرات آفریقایی‌ها از نظر خاستگاه و شدت، منحصر به فرد است. رنج و فقر ناشی از قهر طبیعت و استعمار متمدنی، این قاره ۹۲۰ میلیون نفری را با انبوهی از آسیب‌پذیری‌های سخت و نرم مواجه کرده است. گفتنی است قاره آفریقا از نظر جمعیت و وسعت (حدود ۳۰ میلیون کیلومتر مربع)، پس از قاره آسیا، دومین قاره بزرگ جهان است که حدود ۵۳ کشور را در خود جای داده است. بیش از ۵۰۰ میلیون نفر از جمعیت این قاره زیر خط فقر زندگی می‌کنند و درآمد سرانه آنها در روز فقط ۷۰ سنت است. فقر منابع، توزیع تبعیض‌آمیز عایدات، فساد دستگاه حکومتی، کودتاهای مکرر و جنگ‌های قومی - قبیله‌ای، این منطقه را در معرض انواع خطرات سخت و طبعاً نرم قرار داده است. بسیاری از دولت‌های حاکم در این قاره، اساساً ورشکسته^۱ هستند و از تدارک امنیت و رفاه حداقلی برای اتباع خود قاصر و عاجزند. ۲۵ کشوری که کمترین توسعه انسانی را دارند، آفریقایی‌اند و بیکاری در بعضی از کشورهای این قاره (مانند زیمبابوه) به بیش از ۸۰٪ رسیده است (آمار اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۸). بعضی کشورهای دیگر نظیر جمهوری دموکراتیک کنگو، سیرالئون و لیبیا از نظر فقر عمومی و نقض حقوق بشر در صدر فهرست دیده‌بانان حقوق بشر جای دارند. بعضی از کشورهای این قاره، به رغم برخورداری از منابع عظیم نفتی، سرزمین جنگ‌ها و تنش نامیده شده‌اند. به عنوان مثال، کشور نیجریه با اینکه روزانه سه میلیون بشکه نفت تولید می‌کند، اما جمعیت پر تعداد این کشور (۱۴۰ میلیون نفر) در رنج و محنت کم‌نظیری به سر می‌برند. همین وضع در بزرگترین کشور قاره آفریقا یعنی سودان (با ۲/۵ میلیون کیلومتر مربع) هم حاکم است. یگانه کشور نسبتاً مرفه آفریقا، کشور آفریقای جنوبی است که سالانه ۲۵۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی دارد. رشد فزاینده جمعیت، بیماری‌های خطرناک مقاربتی، جنگ‌های داخلی و کاهش امید به زندگی، ناامنی روانی و وجودی ساکنان این قاره را تشدید نموده است.

بررسی ناامنی‌های نرم در قاره آفریقا از این رو اهمیت دارد که به نظر نمی‌رسد این قاره با معضل مهاجران غیرقانونی مواجه باشد یا غنی‌سازی سوخت هسته‌ای مایه نگرانی مردم شده باشد. ضمن اینکه، تفکیک قاطع بین امنیت سخت و نرم در این قاره چندان میسر و مطلوب

نمی‌نماید و حجم تهدیدات سخت (عینی - ملموس - مستقیم) در زندگی عادی مردم مؤثرتر از تهدیدات نرم است.

۱. مخاطرات شدید علیه بقای افراد

همانگونه که گذشت، کشورهای قاره آفریقا، به استثنای آفریقای جنوبی، همچنان با انواع سخت و نرم تهدید و ناامنی مواجه هستند، ولی وجود ناامنی سخت، نافی تهدید نرم نیست. روال متعارف این است که تهدیدات نرم پس از رفع تهدیدات سخت معنادار می‌شوند، اما این بدان معنا نیست که در غیاب امنیت سخت نمی‌توان از وجود امنیت نرم سخن گفت. صورت صحیح موضوع بدین قرار است که ساکنان آفریقا با شبکه در هم تنیده‌ای از ناامنی‌ها مواجه شده‌اند که بعضی از آنها سخت و برخی دیگر نرم هستند.

مرجع امنیت سخت و نرم در گام اول انسان یا فرد است. از این رو، می‌توان گفت اولین دسته تهدید که در قاره آفریقا وجود دارد و از ماهیت سخت و نرم برخوردار است، عبارت است از مخاطرات شدید علیه بقا و موجودیت افراد انسانی. این مخاطرات از عوامل چندی نشأت می‌گیرند که عمده آنها عبارتند از منازعات قبیله‌ای، طرد، نفی و تنبیه اقلیت، اقدامات خشونت‌آمیز و جنایتکارانه گروهی، بی‌حرمتی به حقوق اولیه انسانی نظیر حق حیات، آزادی بیان و مالکیت، فقر، عدم اشتغال، بی‌سوادی و کم‌سوادی، گسترش افسارگسیخته بیماری‌های میکروبی از جمله ایدز و به طور کلی، رنج بی‌پایان افراد انسانی که تشکیل‌دهنده خانواده، گروه، کارکنان، زنان، مردان و سایر صورت‌بندی‌های اجتماعی هستند.

نارسایی محیط زیست که نه به واسطه گسترش صنایع، که به حکم قهر طبیعت و سیاست‌گذاری‌های مقطعی و محدود رخ نموده است، نیز مخاطره‌ای جدی علیه حیات بشری است. یکی از تبعات نامساعد بودن محیطی، پدیده قحطی و قوع ناامنی غذایی است. بافت ترکیبی بحران‌ها و ناامنی‌ها در این قاره، توفیق سیاست‌ها را با موانع بسیار عدیده‌ای رویارو ساخته است.

بزرگترین کشور این قاره یعنی سودان، حدود ربع قرن است که گرفتار عوارض و ناامنی‌های شدید است. قدرت‌های غربی از مسیحیان ساکن منطقه نفت‌خیز دارفور حمایت

می‌کنند و ایده استقلال این منطقه را طرح و مورد پشتیبانی قرار می‌دهند. این انگیزه غربی‌ها، حکومت خارطوم را در سرکوبی شورشیان و تجزیه‌طلبان مصمم ساخته است.

فراتر از سودان، حکومت مرکزی زیمبابوه نیز تخصیص مواد غذایی را با ملاحظات سیاسی انجام می‌دهد و اغذیه ارسالی سازمان‌های بین‌المللی را ابتدا و بیش از سایر مناطق، بین هواداران خود تقسیم می‌نماید. در اتیوپی، بیش از سه میلیون نفر، محتاج کمک‌های غذایی و امداد غربی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند. نسل‌کشی در روندا، طی اولین سال‌های قرن بیست‌ویکم، بیش از یک میلیون نفر را به کام مرگ فرستاد. در پی این خشونت‌ها و فقر فزاینده، آنچه پایمال شده، امنیت فردی و حقوق اولیه انسانی است.

۲. زوال حیات گروهی و رشد آسیب‌پذیری‌های اجتماعی^۱

افراد انسانی پس از کسب شانس بقا (هرچند به صورت محدود و اندک) در پی کشف و تثبیت تعلقات اجتماعی خود برمی‌آیند و گروههایی چون خانواده، قوم، اقوام، قبیله، اقلیت، روشنفکران، زنان و مانند آن شکل می‌گیرد. در کشورهای غربی معمولاً ذیل مفهوم امنیت اجتماعی^۲ به موضوع هویت و فراز و نشیب‌های آن پرداخته می‌شود. (۱۳) این اصطلاح، در آفریقا، به چیرگی قبیله‌ای و تعصبات عشیره‌ای ترجمه می‌شود و غالباً قبیله غالب به امتیازات بیشتری دسترسی دارد. علاوه بر این، آفریقا کانون پناهندگی گسترده، مهاجرت انبوه، جنگ‌های داخلی و کودتا، نبرد بر سر اثبات و تحمیل هویت و سرکوب مخالفین توسط رژیم‌های حاکم است. بدیهی است در چنین مجموعه‌ای، علاوه بر بقای فردی، بقای گروهی نیز موقعیت و شرایط نابسامانی دارد.

بخشی از این مناقشات پیامدهای حضور استعمار در این مناطق است که امروزه در قالب مطالعات پسااستعماری بدان پرداخته می‌شود. در این چارچوب، مردم بومی درگیر مبارز علیه باورها، ارزش‌ها، عادات و سنت‌های فرهنگی تازه‌ای می‌شوند. آنها با موانعی مانند خطر نابودی

1 . Societal level
2 . Societal Security

فرهنگ و شیوه زندگی پشتیبان خود روبه‌رو هستند. این مانع ثمره حضور «دیگری» است؛ دیگری که باور دارد و آن را به صراحت می‌گوید که دارای فرهنگ برتری است.

۳. ادارات فاسد و مملکت‌داری ناسالم

یکی از ناامنی‌های متداول در اکثر کشورهای قاره آفریقا، فساد گسترده و تبعیض‌های آشکار و عمیق است که بر سطح امید و نشاط افراد جامعه تأثیری مستقیم بر جای می‌گذارد. سران آفریقا همین موضوع را در اجلاس ۲۰۰۵ کنیا، به عنوان دستور کار فوری مطرح و بررسی کردند. علاوه بر این، در همین سال، نیجریه طرحی را به منظور محو فساد در ادارات آفریقایی ارائه کرد و آفریقایی جنوبی کنفرانسی با عنوان «همایش ضد فساد» در پایتخت این کشور برگزار نمود. طی آن همایش، اغلب مقامات آفریقایی پذیرفتند که نظام اداری فاسدی دارند. در کنار این فساد اداری عظیم، باید به نظام سیاسی مبتنی بر شخصیت، بی‌ثبات، غیرپاسخگو، پنهان‌کار و غیرشفاف و قانون‌گریز اشاره کرد که نافی حقوق فردی و جمعی افراد جامعه بوده و موجبات نگرانی، ناامنی و حتی مرگ افراد را در پی می‌آورد.

۴. دولت‌های بی‌ثبات

از جمله مواردی که در مبحث ناامنی نرم در سطح دولتی بدان پرداخته می‌شود، این است که چه کسی حکومت می‌کند^۱ و چگونه حکومت می‌کند^۲. باید تصریح کرد که هیچ دولت آفریقایی نمی‌تواند انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را تضمین کند. آنچه در این تغییر و تحولات گسترده و خونین آسیب می‌بیند، موجودیت و هویت انسان‌هایی است که بین دولت و شورشیان قرار دارند. هم دولت و هم شورشیان، مردمان عادی را وادار به جبهه‌گیری می‌کنند و از این لحاظ می‌توان گفت اکثر آفریقایی‌ها همواره در خط مقدم نبرد قرار دارند. کنگو، برون‌دی، سودان و سومالی فقط نمونه‌هایی هستند که رژیم بسیار متزلزلی دارند. تبعید مخالفان،

1 . Who governs
2 . How to governs

تعقیب رقبا و تهدید دشمنان بالقوه از جمله سیاست‌های حکام حاکم طی دوران حکومتشان می‌باشد.

۵. تهدیدات منطقه‌ای و قاره‌ای

کشورهای آفریقایی هرچند خود رقیب قاره‌ای یا منطقه‌ای ندارند، اما غالباً موضوع رقابت قرار می‌گیرند و وجه‌المصلحه می‌شوند. درگیری قدرت‌های متعدد (پرتعداد) و متعارض از یک سو و تنوع و محرومیت نیروهای اجتماعی کشورهای این قاره، سبب شده‌اند ثبات از قاموس راهبردی این قاره حذف شود و هراس و شکنندگی به اصلی‌ترین واژگان حکام و مردم آنجا تبدیل گردد. بر اساس بیانیه اتحادیه آفریقا در اجلاس سال ۲۰۰۵، قاره آفریقا در خط مقدم منازعه در نظام بین‌الملل قرار گرفته است. طبق این بیانیه، بی‌ثباتی سیاسی، مرزهای نفوذپذیر^۱، امنیت شکننده، جمعیت فقیر و سلاح‌های فراوان جمعیت این قاره را به سمت تروریسم سوق می‌دهد و دولت مسئولی که مهارت و منابع لازم را جهت ایجاد مناسبات مدرن داشته باشد، وجود ندارد. سازمان‌های تروریستی، فرزندان کسانی که در اثر بیماری ایدز کشته شده‌اند^۲ را به عنوان نیروی تروریستی به خدمت می‌گیرند. به تعبیر وری، هم منابع آفریقا هدف قرار می‌گیرند و هم انسان‌های آن. این قاره استعداد عجیب و بی‌نظیری برای استعمار دارد.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸، «به واسطه ساخت طبیعی و نیز بسیج‌پذیری جمعیت، آفریقا با مجموعه‌ای از ناامنی‌های سخت و نرم مواجه گردیده است. ناامنی در مناطق مختلف این قاره نتیجه جنگ و ستیزهای سخت^۳ است. آمار نشان می‌دهد از ۵۳ کشور این قاره، ۱۴ کشور در سال ۱۹۹۶ درگیر جنگهای مسلحانه بودند. بیش از ۵۰٪ افرادی که در جنگ و رویدادهای مرتبط با جنگ از قبیل پناهندگی جنگ‌زدگان و بی‌خانمان‌ها کشته می‌شوند، آفریقایی هستند. این قبیل ناامنی‌ها موجب برآمدن دولت‌هایی ضعیف، آسیب‌پذیر و شکست‌خورده می‌شود که حاضر یا قادر نیستند خوب حکومت کنند، مقتدر

1 . Porous border
2 . AIDS Corphans
3 . Hard Conflicts

باشند و در مقابل شهروندان خود مسئولیت‌پذیر باشند.» در نتیجه، شهروندان هم تحت حمایت نهادها و اداری قرار می‌گیرند که از انجام کارکرد خود عاجزند و بدین ترتیب، افراد و گروهها را از نیل به حقوق خود محروم می‌سازند. تجلی این نابسامانی‌ها را می‌توان در جنگ‌های داخلی خونین و کودتاهای مکرر دید که مجموعه‌ای از تهدیدات سخت و نرم را متوجه فیزیک، تعلقات و اندیشه افراد و گروهها ساخته است.

یکی از مراجعی که به صورت جامع و مقایسه‌ای به بررسی مؤلفه‌های نرم در قاره آفریقا پرداخته، اتحادیه آفریقا است. بر اساس مطالعه این مرجع، مؤلفه‌های امنیت نرم در اتحادیه آفریقا، بدین ترتیب می‌باشد:

یک. فقر و بهداشت عمومی

دو. معضل پناهندگان و آوارگان جنگی

سه. بی‌ثباتی حکومت‌ها و امنیت شکننده

چهار. سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ساختارهای فاسد

پنج. مداخله هدفمند قدرت‌های خارجی [منطقه‌ای - فراقاره‌ای].

اتحادیه آفریقا برای درمان آن معضلات به اقدامات زیر همت گمارده است:

یک. تلاش برای تحقق هم‌گرایی سیاسی، اجتماعی - اقتصادی ساکنان آفریقا

دو. ترغیب همکاری‌های بین‌المللی و کسب حمایت‌های سازمان ملل و رعایت منشور جهانی حقوق بشر

سه. ارتقاء صلح، ثبات و امنیت در آفریقا

چهار. کمک به موازین و نهادهای دموکراتیک و ترویج مشارکت دموکراتیک و مملکت‌داری خوب

پنج. ارتقاء حقوق بشر بر اساس منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان

شش. تدارک توسعه پایدار در سطوح اقتصادی، فرهنگی و اقتصادی در عین تلاش برای همگرایی قاره‌ای

اتحادیه آفریقا پس از سال‌ها تلاش بدین نتیجه رسید که برای تحقق امنیت پایدار (اعم از نرم و سخت) لازم است از این راه حل‌های کلی و کلیشه‌ای عبور و به اقدامات عملیاتی و کاربردی مبادرت شود. بر این اساس، اتحادیه تلاش خود را بر استفاده صلح آمیز از نیروهای نظامی، جلب همکاری کشورها و سازمان‌های غیرآفریقایی، گسیل نیروهای نظامی امنیتی به سمت صلح‌بانی و کمک‌رسانی بشردوستانه، تغییر مأموریت نیروهای نظامی از شلیک به سمت مخالفین داخلی به شلیک به سوی متجاوز خارجی، اعطای اختیار بیشتر به اتحادیه آفریقا، ایفای نقش نظامی نرم^۱ و پلیس سخت‌تر^۲ توسط افسران در جامعه.

نتیجه‌گیری

همانگونه که دیده می‌شود، مسائل و شیوه مدیریت تهدید نرم در مناطق مختلف غالباً متفاوت است، اما تفاوت مذکور نافی این اصل نیست که مدیریت مذکور، حداقل متضمن دو اصل کاربردی است. تعریف ساختارهای جدید و تغییر کارکردهای متناسب دو اصلی است که در پناه آن افق‌های ذیل هدف‌گذاری می‌شوند:

یک. اول امنیت^۳ سپس توسعه

دو. موضوع و مرجع امنیت نه دولت که جامعه است.

سه. مولفه کلیدی جامعه، افراد و موجودیت، هویت و اندیشه آنهاست.

چهار. تغییر کاربری نیروهای نظامی به سمت خدمات رفاهی و تولیدات اقتصادی

پنج. امنیت نرم بیشتر به توزیع عادلانه می‌اندیشد و بعضاً به تولید می‌نگرد.

شش. امنیت نرم مستلزم همکاری مداوم و کیفی با نیروها و قدرتهای خارجی است.

هفت. امنیت نرم بیشتر ماهیت غیرنظامی^۴ و مدنی دارد.

هشت. دولت مرکزی در سیاست‌گذاری امنیت نرم، ابتدا مهندس است، اما بلافاصله به

مشاور جامعه تبدیل می‌شود.

1 . Softer Military
2 . Harder Police
3 . First Security
4 . Demilitarize

یادداشت‌ها

1. Lars Rasmusson and Sverker Jansson, "Simulated Social Control for Secure Internet Commerce", in: Catherine Meadows (ed) *Proceedings of the 1996 New Security Paradigms Workshop*, ACM, 1996. available at: <http://portal.acm.org/Citation.cfm>.
2. Ibid
3. Lomagin, Nikita, "Soft Security Problems in Northwest Russia", available at: http://daviscenter.fas.harvard.edu/seminars.../lomagin_03_14_02.pdf
4. Ibid
5. Archer, Clive, "Aspects of Soft Security", Sage Publications, *Dialogue Security*, Nov. 2007, pp 31-32.
6. Very, Francois, "Revisiting The Soft Security Debate", Presented At Faculty of Military Science, available at: www.Stellenbosch.com/articles.
7. نصری، قدیر، جایگاه راهبردی اقلیت مسلمانان در اتحادیه اروپا، *گزارش راهبردی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۴.
8. Sherr, James, *Strengthening Soft Security: What is to be Done?*, Published by Conflict Studies Research Center, May 2003, pp. 11-13.
9. Brimer, Ester, *From Territorial Security to Societal Security*, London and New York, Ltd Press, 2007 (Blue Books), p. 33.
10. Moroff, S. "The European Soft Security Policy; Case Study of Northern Europe, Report by European Council For Modern Threats", available At: www.Europestudies.org. Reports and Analysis.
11. Very, op.cit, p. 19.
12. Prentl, B. *Soft Security in the Europe Union*, London, Free and Zonix Press, 2005.
13. Buzan, Barry, "Security and Migration", Chapter five at: Security Studies; Copenhagen School and its origins, *Security Dialogue*, sep. 2001.